

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

اخلاق، گوهر هنرهای ایرانی

دکتر نازیلا دریایی*

گروه هنر، بنیاد دانشنامه نگاری ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱.۱.۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۱.۵.۵)

چکیده:

زمینه: هنر می‌تواند ضمن برقراری ارتباط با حوزه‌های متفاوت علم با یکدیگر، محلی برای تلاقی مجهولات معنوی اندیشه بشری در قالب موضوعات و صحنه‌هایی بهجت‌آفرین و زیبا، باشد. حقیقت ایجاد جاذبه و شور هنری از طریق واسطه‌ای به نام اثر هنری، هنرمندی است که با تزریق منش و هویت فردی و رعایت اخلاق در اثر خود دلیل اصلی نامیرایی بسیاری از هنرهای اصیل ایرانی را، باعث می‌شود. اثر هنری از این نگاه محل ظهور وجود هنرمند و حضور منویات درونی اوست. زیبایی مسحورکننده و چشم نواز آثار هنری خاصه در هنرهای قدیمی، مدیون اخلاق تزکیه شده هنرمندانی است که با تحمل مشقت، گوهر وجود خود را به کسب سیرت جوانمردی و خصال پسندیده انسانی، صیقل داده و در اثر هنری آن را افشا می‌کردند. برخورداری از چنین صفاتی نه تنها در عرصه تولید آثار هنری، که در روابط استاد شاگردی هنرورزی آشکار می‌گردد.

در زمان حاضر، شتاب روزافزون چرخه زندگی و سرعت ورود فن آوری‌های جدید، مجال بیشتر پرداختن به حقیقت وجود و زندگی را از آدمیان سلب کرده است. تأثیر چنین تغییراتی بر هنر امروزی نیز دور از انتظار نیست. نتیجه به فراموشی سپردن زیر ساخت‌های اخلاقی و اسلوب هنرورزی در مراحل تولید آثار هنری و توجه صرف به بعد اقتصادی تولیدات، با وجود چنین جمعیت کثیری از آدمیان و گرایش‌ها و علاقه‌مندی‌های خیل عظیمی از آنان به انجام کارهای هنری، بعضاً آثاری سرگردان و فاقد هویت خواهد بود که جاودانگی ندارند. در این مقاله سعی شده به ابعاد گوناگون حضور وجود هنرمند یا غیبت آن در مراحل تولید هنر و تأثیر مداوم هنرمند و اثر هنری بر یکدیگر، با بررسی توصیفی و کتابخانه‌ای پرداخته شود. بیان نمونه‌ها، با توجه بیشتر بر یافته‌ها صورت گرفته است.

روش کار: برای تألیف اطلاعات مقاله حاضر، یافته‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی بررسی و تنظیم شده‌اند.

نتیجه‌گیری: چنانچه هنرمندان عرصه‌های هنرهای ایرانی، در عصر حاضر، توجه به عامل اخلاقیات در ساختار وجودی انسان و نقش آن در شکل‌گیری قالب محتوایی آثار هنری را، نادیده انگارند، در آینده ای نه چندان دور شاهد دگرگونی بنیادین در عرصه تولیدات هنری کشور، خواهیم بود.

کلید واژه‌ها: اخلاق در هنر، اخلاق استاد - دانشجو، اخلاق هنرمندی

ممکن است بارها به تماشای معماری مساجد قدیمی مانند مسجد شیخ لطف‌اله اصفهان برویم و با تعجب از خود بپرسیم،

سر آغاز

ایرانیان که باعث فخر، مباحثات و آوازه تمدن ایرانی در دنیاست، به دلیل وجود هنرمندان ماهر و کهنه کاری بود که حریم و حرمت خاصی برای کار خود قائل بودند. آنها مدار اصلی زندگی فردی و شغلی خویش را بر پایه اخلاق‌گرایی، کسب فضایل معنوی اخلاقی و پیراستگی از صفات رذیله می‌دانستند. گاهی در رسایل و اسناد باقیمانده می‌بینیم که برخورداری از صفات فوق هم‌مرتب با کسب آداب فتوت^۵ یا حتی عیاری بوده است. مقاله حاضر خاصه از این حیث به موضوع پرداخته است.

هنر و اثر هنری

در باب معانی هنر، تعاریف بسیاری به رشته تحریر درآمده است. هر یک از این تعاریف بعدی از هنر و هنرمندان به‌وجود آورنده اثر هنری را بیان داشته‌اند. هنر در زبان پهلوی و به معنی قدیم ایرانی با کسب آداب جوانمردی و فضیلت برابری داشت. واژه‌هایی همچون فرهنگ، تعلیم، تمدن، علم و خرد برابر نهاده های هنر به زبان پهلوی را تشکیل می‌داد (۲). در زبان اوستایی «هونر» کلمه‌ای که هنر از آن اشتقاق یافته است به معنی کار نیک، دلاوری، جنگاوری و خوبی بود (۳). به این معنی، هنرمند واسطه‌ای است که در جمع مردم زندگی کرده، به زبان و نیاز آنان آشناست. وی برگزیده ای است تا حقایقی را که اکثر مردم از اظهار آن به زبان هنر ناتوانند فاش سازد. از این حیث به مدد افاضه روح معنویات^۶ در اثر هنری، هنر شرافت و کرامتی خاص یافته و به همین دلیل با این نگرش، منشاء و سرآغاز کار هنری اهمیت ویژه ای می‌یابد. سرآغاز کار هنری هستی‌شنی را منکشف می‌سازد. چنین سرآغازی با دیدگاه‌های فردی و جهانی هنرمند ارتباط پیدا می‌کند. در نهایت وی «برای هست شدن شئی هنری خلاقیت و سازندگی را با هم به کار می‌گیرد» (۴). در اینجا، هنرمند، مبنای صورت بخشی به ماده، انگاشته می‌شود و در طول فعالیت هنری، عوالم و روح خود را که به احساسات متفاوت مبتلا گردیده، به گستره کار خویش منتقل می‌کند. لذا با چنین دیدگاهی، پرداختن به امور هنری با اولویت صرف به ارتزاق و کسب معیشت یا به عبارتی دیگر اقتصاد، از اعتبار اثر هنری می‌کاهد. تفاوت هنر با دیگر مقولات، در آشکارگی روح نهانی است که زیبایی‌های درون وجود انسان را به عریانی بر

مهم‌ترین دلیل ماندگاری این آثار مستحکم و زیبا در چیست؟ آثاری که ناگفته پیداست حتی برای طراحی آنها هنرمند، مدت زمان مدیدی فکر کرده و از تداخل حوزه‌های متفاوت دانش و علم به ابداع ساختاری برای اثر خود مبادرت ورزیده است. ممکن است در همین حین از خود بپرسیم آیا امکان دارد ما نیز در شرایط حاضر آثاری را به آیندگان بسپاریم که برای هزاره‌ها دوام بیاورند؟

رعایت اخلاق‌مندی در وجود هنرمندان خاصه هنرمندان هنرهای قدیمی، یکی از اصولی بود که با پابندی به اسلوب آن، خصایص هنرور به گوهری آراسته می‌شد. در حقیقت اخلاق در هنر گونه‌ای نقادی هنری است.

نقد اخلاقی عناصر اخلاقی را در تفسیر و ارزیابی هنر دربرمی‌گیرد. که برای چنین شیوه نقادی دو نظریه سنتی وجود دارد. یکی نقد اخلاقی بر پایه خودمختاری، آزادی و استقلال و دیگری ارزیابی هنر بر مبنای اخلاق‌مندی. نظریه اول مدعی است که اخلاق هرگز قانون‌مند نیست چون اخلاق و ارزش‌های زیباشناسی مستقل است درحالی‌که نظریه دوم ارزش‌های زیبایی‌شناسی را وابسته به ارزش‌های اخلاقی می‌داند (۱).

بدیهی است هنر نیز مثل تمامی علوم دیگر مطابق با زمان پیش می‌رود. فناوری، سرعت، اقتصاد و تولیدات زودبازده از مسایل حائز اهمیت تولید در زمان حاضر می‌باشند. هنر نیز از این سو به جدا نیست. اگر هنر و اثر هنری^۱ را در اولویت‌های بعدی قرار دهیم درمی‌یابیم که گوهر هنر^۲ و اصلی به‌وجود آوردن اثری زیبا وجود هنرمند^۳ است. گاهی چنین برداشت می‌کنیم که درون و ضمیر هنرمند به هر صورتی که باشد بر صفحه اثر هنری او نقش می‌اندازد. در قدیم برای ورود به انجام کار هنری در هر حیظه‌ای، مراتب، شان و مراحل وجود داشت. هر مرحله‌ای قواعد خاص خود را داشت و هنرمند نظیر دیگر اصناف و مشاغل اجتماع چنانچه آداب کار می‌دانست، می‌توانست به انجام کار هنری مبادرت ورزد. صحبت بر سر این مسئله نیست که در قیاس با زمان حاضر باید هنرمندان را ملزم نماییم تا در کلاس‌های آمادگی اخلاقی شرکت کرده و مجوز فعالیت خود را دریافت نمایند. بلکه هدف این مقاله آن است تا بازگوید بخش عظیمی از رمز ماندگاری آثار زیبایی^۴ هنری

قبال آثار تحسین برانگیز می‌تواند با ملاحظات اخلاقی همراه باشد(۶).

اصول اخلاقی هنرمندان در قدیم

اندیشه کردن در این مورد که چگونه می‌توان به بهترین صورت زندگی کرد تاریخ ورود مباحث اخلاقی به حیات بشر است. اینکه چطور می‌توانیم به خوشبختی خود و دیگران کمک کنیم. اخلاق، ماهیت و ارزش غایی معیارهایی است که اعمال انسانی با آنها مورد قضاوت قرار می‌گیرد. وجود فرهنگ اخلاقی از طریق تلاش‌های جمعی، باعث گسترش رفاه اجتماعی مردم خواهد شد. مسئله مهم آن است که به دلیل وجود تنوع در فرهنگ‌های مختلف، نسبی‌گرایی اخلاقی بسته به هویت هر فرد، شرایط و موقعیت اجتماعی شکل می‌گیرد.

به عقیده پژوهشگران باورهای معنوی را می‌توان عامل به‌وجود آورنده تمام مذاهب دانست. براین‌اساس باورها به طور طبیعی منبعث از عواملی جهانی در تجارب بشر هستند. مثلاً مرگ، خواب، رؤیا، وهم و از خودبی‌خود شدن همگی برای انسان‌های سراسر دنیا تجارب قابل‌کسی هستند و هر فردی به واسطه توانمندی‌های وجود خویش از طریق تجربه آنها به باورهایی می‌رسد که برای او قابل‌تشخیص بوده و اخلاقیات وجود وی را شکل می‌دهد. دلیل آنکه بشر اولیه باور داشت که ارواح می‌توانند باعث ایجاد بیماری در وجود افراد شوند یا در اداره سرنوشت بشر دخیل می‌باشند، همین باورها است (۷).

باور، نفس اخلاقیات را پی‌ریزی می‌کند و خصلت اخلاقی، موجب شناخته شدن صنوف متفاوت از یکدیگر است.

صنف، به معنی جمعیت‌های متفاوت پیشه‌وری (۸)، در قدیم صاحبان و اربابان حرف را با یکدیگر متحد می‌ساخته. همان‌گونه که امروزه پیشه‌وران از هر صنفی با یکدیگر آشنا بوده و برای رفع مسایل خود انجمن می‌سازند، در گذشته نیز برای هر صنفی رساله‌ای خاص وجود داشت که آداب کار صنف را برای جمعیت آن روشن می‌ساخت. پیشه‌وران تابع قوانین صنف خود بودند و آنها را به کار می‌بستند. قوانین فوق‌مشمول بر آدابی نیز می‌شد که هر یک از صنوف برای بهتر عمل کردن با مردم می‌بایست بدانند. به کار گرفتن اصول اخلاقی از جانب صاحبان پیشه

همگان عرضه می‌دارد. هنر شرق و به خصوص هنر ایرانی با فضایل روحانی آمیخته است و بدین جهت با زیبایی‌شناسی غربی تفاوت‌های بارزی دارد. مبنای قضاوت اثر هنری در این حالت حضور یا غیبت وجود و تحقق اخلاقیات در کار است. «اخلاق علم ارزشگذاری بر خوی‌ها و رفتار آدمی است. اخلاقمند کردن انسان‌ها راه صلاح و فلاح جامعه است» (۵).

ساختار وجودی انسان و نسبت او با عالم به گونه‌ای است که وی چون می‌داند عالم از برای او به ظهور در آمده، تفکر، مستوری حقیقت وجود را از طریق هنر در خود هنر به ظهور می‌رساند. انسان در مقام ابداع هنر، عرصه‌گشوده وجودی است که هستی بدان وارد می‌شود. حقیقت انکشاف ایجاب می‌کند که برای تحقق خود، به اثر هنری معطوف شود.

هنر، جزء اولین و قدیمی‌ترین زبان‌های ارتباطی انسانی محسوب می‌گردد. هر چند در گذر زمان تابعیت تغییرات حادث شده را پذیرفته ولی در عصاره حیات خود این دیگرگونی، موجبات ترقی و بستر خلاقیت‌ها را موجب شده است. به طور مثال بعد از همه گیر شدن دین اسلام، منویات درونی و تعلیمات مذهبی و دینی، هر چه بیشتر، در روح هنر نفوذ کرده و هنر ایرانی بیش از پیش با نماد، رمز، تمثیل و عرفان به هم آمیخت. هنر با تجلی و ظهور هنرمندانه، نسبت میان حق و خلق را برقرار ساخت و چون امانتی الهی در نظر داشته شد. لذا هنرمند، به دلیل برخورداری از این تعریف، می‌بایست شایستگی و اهلیت خود را در مقام هنرمندی ثابت می‌کرد. پس در هنرهای اسلامی نیز، هنر و هنرمندی آداب و قواعد خود را بر اساس شالوده‌ای بنا ساخت که اخلاق و اخلاقیات، رکن اول و اصلی آن برای متصف شدن به تجلی حقایق معنوی^۷ با واسطه اثر هنری، به حساب می‌آمد. چنین وجهه اخلاقی در منش هنرمندان، ارتباط انفکاک‌ناپذیر هنر با مظاهر فرهنگی اجتماع، را عرضه می‌داشت.

ارتباط هنر با اخلاق از زمان افلاطون موضوع مدنظر فلاسفه بوده است. از دید فلسفی، خصلت‌های اخلاقی نوعی زیبایی به حساب می‌آید و هنر می‌تواند آموزنده اخلاق و نیز ارزش‌های زیبایی‌شناسی هم باشد. بدین‌گونه احساسات ما در

بود. فرهنگ و باورهای فرهنگی نشانی از حضور باورهای رفتار ساز و اخلاق مند در حیات روزمره بشر داشت. همین باورهای فرهنگی روزمرگی^{۱۳} در نقش نظام‌های اخلاقی به‌عنوان زیر ساخت تولید آثار هنری محسوب می‌گردید. در عصر حاضر، گروه‌های مذهبی، فرهنگی و اخلاقی از نمادها برای خلق و جاودانه ساختن معانی استفاده می‌کنند. یعنی بعضی از نمادها با آیین‌ها ادغام می‌شوند تا یک واقعه و ارزش‌های آن را شبیه‌سازی کنند و بدین طریق برای جامعه موجد ارزش باشند. این کار به منظور حفظ آنچه واجد ارزش است برای مردم زمانه و نسل بعد می‌شود. انتقال چنین تجربیاتی رابطه میان هنر و اخلاق است که از طریق جاودانه سازی اثر شکل می‌گیرد (۱۰). پایه‌های مدنیت و شناخت هویت فرهنگ‌های گوناگون از طریق چنین باورهایی، شکل می‌گیرد. در دوران امپراتوری‌های عظیم ایران باستان از هخامنشی تا ساسانی که مذهب عاملی اصلی در شکل‌گیری آثار هنری بود، باز هم هنرمند، حالات وجودی و اخلاقیات وی عاملی مهم در خلق آثار هنری ایرانیان به‌شمار می‌آمد. با ورود اسلام به ایران و نقشی که مذهب اسلام در بکونواخت کردن جوامع مستقر در مناطق مختلف ایران داشت، پایه‌های اخلاقی در وجود هنرمندان به گونه‌ای با مذهب آمیخته گردید که تاثیر آن بر آثار هنری متفاوت این زمان‌ها قابل دریافت است. به صورتی که اعتقاد مردم به جوانب انسان ساز دین، موجب پدیدار شدن مسالک متفاوت و فرقه‌های متعدد دینی گردید که اسلوب آنها در حوزه‌های گوناگون نظام اجتماعی مورد تبعیت و احترام قرار داشت. از آن دست است افکار صوفی‌گری و آیین فتیان یا عیاران. در هنر نیز هنرمندان در رشته‌های متفاوت هنری گاهی جزء پیروان همین فرقه‌ها در آمده و قبل از اینکه هنرمند باشند عیار و لوطی بودند یعنی نزد مردم به پاسداری از ارزش‌های مورد احترام آنها شناخته شده بودند. محورها، ارکان و معیارهای فرقه‌های فوق در پیروی از اصول جوانمردی با همدیگر، مشابهت داشت. به کار گرفتن این اصول در بطن کار جزء آداب هنرورزی به حساب می‌آمد. به‌طورمثال در صنعت بافندگی به دلیل شرایط خاص تهذیب نفس شیث و آشنایی وی با پارچه بافی، نام او را سرآمد نام هنرمندان این رشته تلقی کرده و موفقیت او را در کسب روزی،

منجر به رهبری زندگی افراد به بهترین صورت و آمادگی برای قبول تکالیف اجتماعی و شغلی آنها می‌گردید.

چنین ساختار نظام‌مند کسب فضایل اخلاقی، ترقی حرف و صنایع را موجب می‌شد، چه پیشرفت حرف به تنهایی و بدون کسب فضایل اخلاقی برای تامین خوشبختی بشر کافی نیست (۵). از جمله دارایی صاحبان هر پیشه، شناخته و ممتاز شدن آنان به اخلاقی خاص بود. صفات هر پیشه، سرشت صناعات و موجبات کارگردانی کسب را فراهم می‌آورد. آن صفات به نوعی اسرار حرفه محسوب می‌شد که تنها در انحصار افراد آن صنف قرار داشت و حرفه آموز تا زمانی که اسرار نمی‌دانست، از کار در آن منع می‌شد. پس از کسب مهارت از وی آزمایش به عمل می‌آمد و اگر وی موفق می‌گردید، اجازه پرداختن در آن حرفه به او داده می‌شد. هر صنف مراتبی داشت و پیشه ور به نسبت توانایی‌ها و شرایط احراز امکان صعود به مرحله بالاتر را بدست می‌آورد. شیخ، استاد، خلیفه، صنعتگر، کارآموز و نقیب از جمله مراتب صنف است که تقریباً در کتب متفاوت از آنها نام برده شده است (۸). برای داخل شدن به جماعات پیشه‌وران هر صنف، قسم‌نامه‌هایی وجود داشت تا فرد ملزم به رعایت موازین اخلاقی و وجدانی در کار خود شود. از آن دست بود خیانت نکردن در آنچه می‌سازند و می‌فروشند و در سازش با هم پیشه گان علیه مشتری، به کار بستن دقت در کیفیت و کمیت مواد اولیه و مهارت در تولید. درست است که درباره هنرمندان رسائل خاصی بر جای نمانده است ولی می‌توان اصول کلی حاکم بر اخلاقیات هنرمند را حین انجام کار هنری برگرفته از آیین فتوت و رسم جوانمردی به شیوه گذشته دانست.

در مورد مقولات متفاوت هنری، رسائل یا فتوت نامه‌های قدیمی و گوناگونی وجود داشته و باقی مانده است. از آن میان می‌توان از فتوت نامه‌های معماران، نقاشان، خوشنویسان^۸، چیت‌سازان^۹، نگارگران، رنگرزان، قالی بافان و موسیقی دانان نام برد (۹).

رابطه آداب هنرورزی و تولید اثر هنری

در زمان‌های بسیار قدیم اعتقاد به جادو^{۱۰}، طلسم، اسطوره^{۱۱}، دگردیسی‌های^{۱۲} انسانی و نیروهای ماوراء طبیعه فرهنگ ساز

منتج از قرب به خدا در کردار و اعمال می‌دانند که در معیشت وی نیز بی‌تأثیر نبوده است:

اول صوفی را در عالم حضرت شیث می‌دانند که از میان کسب دنیا، بندگی حق اختیار کرد و ملک از بهشت برای او صوفی سبز آورد و در روایت است برای او که: صوفی یعبدا لله فی الارض، پشمینه پوشی که خدا را در ارض عبادت می‌کند (۱۱). به همین روی است که در یکی از معدود رسالات هنری بر جای مانده در صنعت چیت‌سازی، نام شیث به‌عنوان پیر چیت‌سازی، سرلوحه پیشه‌وران چیت‌سازی قرار می‌گیرد (۱۲). موضوعات رسالات مختلف پیشه‌وران، بیان اساتید فن، افعال حرفه، با طهارت بودن و راستی داشتن در پیشه، روش کار و اسلوب صنعت، ادب نگهداشتن در حضور مرشد و آداب باطنی پرداختن به پیشه و هنر است. صاحب هنر و صنعت در وهله اول صاحب فتوت است و ملزم است که نفس خود از صفات بد بزداید و به صفات نیک اخلاقی تبدیل کند.

در این اوصاف، هر طبقه از مردمان برای منتسب گردیدن به شرط کار پیشگی، شرایط خاصی برای فیض به جوانمردی طی می‌کردند. سیرت و طریقت جوانمردان ایجاب می‌کرد تا ابتدا نفس به غسل طهارت روح شستشو دهی و سپس روی به کار آوری. لذا هنرمند به لحاظ اخلاقی در ابتدا سالکی است که چون در هوای نفس و آرزوی طمع باشد، کودکی است ناپخته. جوانمرد باید که روح خود به کمالات انسانی و قوت‌های معنوی بیالاید. در نقل است از امیر عنصرالمعالی که اصل جوانمردی سه چیز است هر چه گویی بکنی، خلاف راستی نگویی، شکیب به کار بندی (۱۳). بدیهی است حفظ خصوصیتی از این دست در احوال هنرمندان، رمز ماندگاری ابدی و استمرار همیشگی آن هنرها را با خود همراه خواهد داشت. بدست آوردن چنین ویژگی‌هایی در منش وجود و عادت به تکرار آنها در روزمرگی زندگی و هنر و صنعت، کسب آداب جوانمردی است که از قدیم در آیین عیاری با قواعدی مخصوص به خود، تعریفی خاص داشت. عیاری به مثابه تفوق وجود انسانی بر وجود دیگر، به سبب عجین شدن خوی‌های انسانی با فضایل، کرامات و شرافت وجود، خصیصه ای نبود که به قشر یا طبقه ای خاص از مردم جامعه متعلق باشد. لذا هنرمند نیز اگر برای خودسازی درونی و

مهیا شدن برای افشا کردن حقیقت وجود از طریق هنر، خود را به آداب عیاری قریب و علاقه مند می‌دید، در وهله اول عیاری بود که از طریق هنر ارتزاق می‌کرد.

عیاری در واقع از نیمه قرن هفت قمری به بعد بر جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی منش پهلوانی تأکید بیشتری می‌ورزد. لذا اگر جوانمردان پیشتر به میدان رزم و صحنه‌های نبرد انسانی یا حیوانی روی می‌آوردند یا از عیاری در وادی سیاست، دم می‌زدند، از آن پس به حضور در عرصه‌های اجتماعی، نحوه سلوک با خلق خدا، شاد کردن دل مردم که حتی حظ بصری و قلبی اثری هنری منبعث از آن است و دستگیری از حاجت‌مندان، می‌پرداختند. سخاوت، تواضع، قناعت، عفو، ریاضت، نفی عجب شش رکن باطنی آداب جوانمردی به‌شمار می‌رفت (۱۱). طریقت صواب آدمی را در مقام خوف قرار می‌داد و خوف امروز، مقام امن فردا را به دنبال داشت. در مرام قرار گرفتن بر راه راست بایستی که صاحب اندیشه از ناگفتنی‌ها دم در کشد، از ناکردنی‌ها قدم نا نهد و از کرم کار کند و در کار کند تا به احکام و ارکان طریقت واقف بوده و به واجبات بپردازد که از جمله آن است علم آموزی و در عمل آوردن علم و این هر دو در اثر هنری قابلیت عرضه دارد.

یکی از موضوعات تحقیقاتی مورد نیاز در هنر ایرانی، هنرمند و وجود اوست. درباره هنرمندان غربی کتاب‌ها تألیف شده و مقاله‌ها به تجزیه تحلیل شخصیت هنرمندان متفاوت می‌پردازند ولی در این ارتباط کمبود منابع درباره هنرمندان ایرانی باعث می‌شود که به‌درستی ندانیم مثلاً چه تعدادی از هنرمندان قرن چهارم هجری قمری در کدام گوشه سرزمین به دنبال مرام اخلاقی خود به عضویت در بنیاد اخوان الصفا، در آمده‌اند.

تابعین بنیاد اخوان الصفا (برادران با وفا) در قرن چهارم ق، نیز تأثیرپذیری اخلاق را از چند عامل می‌دانستند. اول مکانی که انسان در آن می‌زید. به همین دلیل است که خاک و آب و هوا و آتش که انسان برای سکونت خود، بدان‌ها وابسته است بدینگونه در مزاج انسان مؤثر واقع می‌شوند، دوم علم کواکب و انجم که افراد را از جهت بهره‌مندی در اخلاقیات، وابسته به اختلافات برج‌های گوناگون می‌داند و سوم تربیت، عاملی است که مستقیماً از طریق معاشرت با جوامع کوچکتر انسانی نظیر

برهمن اساس هنرجو در کنار و در رکاب معلم تعلیم می‌بیند و مشق می‌کند. وجود او از وجود معلمش بهره می‌گیرد و منش زندگی و هویت شرافت انسانی را با عشق به آشکارگی زیبایی‌های باطنی رقم می‌زند. جزییات، ظرافت‌ها، رموز و آداب کار نزد بزرگ سروری می‌آموزد و با تحمل ریاضت و سخت کوشی بر نفس خود چیره می‌گردد. اینچنین است که با دریافت حسی و به واسطه ادراک ذهنی، با قاعده و قانون آموزش می‌گیرد. روح معنویت و عالم باطن را در هنر ایرانی حاضر ساخته و زیبایی‌های موزون و دلپذیر آن را اعجاب‌انگیز نشان می‌دهد. در این پیدایی، هنر و حکمت با هم آمیخته می‌شوند. اصول اخلاقی و احترام بدان رعایت می‌شود. لذا کار بر این اساس شرافت و قداست می‌یابد. صنعت و هنر امانت الهی در نظر گرفته می‌شود که بایستی با طهارت، حفظ شود و با تعقل و تفکر، قوه احساس را به باروری رساند.

در این نظام، معلم خود باید کامل بوده، ارکان و ضوابط راه بدانند و در کار گرفته باشد تا توان به کمال رسانیدن دیگری در او وجود داشته باشد. ارکان استادی را بر این تعداد شماره کرده اند، چون پیر در جهت تعلیم شاگرد بر آید باید که به معرفت کامل و فراست تمام راه یافته باشد.

بدین‌گونه او با نگاه بر شاگرد درمی‌یابد که وی را چه کار می‌آید و به چه کار می‌باید. استاد باید که به کمال رسیده باشد و استغنا، که حاجات به غیر از مطلق نخواهد، اخلاص و راستی و شفقت نیز لازمه بردباری اوست بر رنج تعلیم شاگرد تا از خطاهای وی در گذرد. که این صفات جمله، صفات اهل دل و اهل فتوت باشد. (۱۱)

اما بنای شاگردی بر ارادت و احترام به معلم، اعتقاد داشتن و خدمت کردن است تا جهت نیل به مقصود، ترک راحت کند و محنت کشد.

اثر هنری که توسط هنرمندی به‌وجود آمده است که خود آداب باطنی صنعت خویش نزد پیری آموخته، در اولین مرتبه شان صفا را در وجود هنرمند بیدار می‌کند. یعنی صاحب خلق اثر چون کار خود به پایان رساند به رضایت‌مندی قلبی و شفع درونی می‌رسد که تمامی وجود او را سرشار از لذتی پایدار و بهجتی وافر می‌سازد.

خانواده، دوستان و معلمان، تغذیه می‌کند. (۱۴) صفات پسندیده جوانمردی در هر پیشه‌ای اعم از صنعت فنی و هنری در بنیاد برادران باوفا از این قرار بود که در نعمت حق شاکر باشند، از زندگی راضی بوده و در روزی بردباری نمایند، تزویر نکنند و بدخواه خلق نباشند، از مواهب نفسی آرام برخوردار بوده، دل فراح دارند و خلق از آنان در امان بمانند.

چنانچه فردی بتواند به این مراتب برسد، به مقام بنده نزد حضرت حق دست یافته است، که با گذر از وادی‌های توبه، صبر، شکر، رجا، زهد، توکل و رضا (۱۵) به پایداری در عمق معنایی زندگی و عبادت واقعی خواهد انجامید. چه در این مقام تصدیق او به جنان، اقرار او به لسان و عمل او در ارکان عبادت دوست است و هنر وی مظهر طاعت و بندگی در درگاه او. دلایل فوق و شان حضور آنان را در لحظات تولید اثر هنری، باید عامل ماندگاری هنرهای بدانییم که از گذشته‌هایی دور تا به امروز در عرصه‌های متفاوت هنری جلوه‌نمایی کرده اند. نه تنها زیبایی ظاهری که حسن باطن مکنون آنها، تحسین برانگیزی دیده‌های زیبا بین را به خود در طی قرن‌ها معطوف و مشعوف ساخته است. چرا که حاصل چنین کاری منبعث از عشقی درونی است که به باور و ایمان قطعی و یقین قلبی تبدیل شده است. شیفتگی عاشقی، مسخوری چشمان ماست در متلذذ شدن از وادی‌های حیرانی و آشفته‌گی خلسه‌های درونی هنرمند، که گاه در عرصه خیال به سامان رسیده و گاه معلق مانده است.

نظام استاد - شاگردی در هنرهای ایرانی

با تأملی بر آنچه تا به حال گفته شد، متوجه می‌شویم که پایه نظام قدیمی فراگیری هنرهای ایرانی، دستورات اخلاقی است و هنرآموز، برای یادگیری این درس‌ها به پیر و معلمی نیاز دارد تا ضمن ارائه فنون کار، آموزه‌های زندگی و ادب را در کار تجربه کرده، بیاموزد و به کار بندد. آموزش هنرها در ایران از قدیم بر مبنای استاد شاگردی استوار شده است. ادب، نیکی احوال و رفتار، در نشست و برخاست، خوشخویی و گرد آمدن اخلاق نیکو مجموعه خصال بوده که شاگرد در حین آموزش از استاد خود می‌آموخته است. اصول اخلاقی وسیله سنجش آدابند (۵).

اکثر محققین اصلیت و مناسک مربوط به آن برخاسته از ایران است. در باب تولد مهر و بجا آوردن آیین‌ها و نبرد نمادین نیروهای خیر و شر وجوه قرابتی با رسوم پهلوانی در زورخانه‌های^{۱۵} ایرانی وجود دارد. زورخانه‌ها و مهر ما را به گونه‌ای با آیین عیاری مرتبط می‌سازد. چرا که باقی ماندن یک نظام فکری و اخلاقی طی زمان‌های مدید، حاکی از قدرت و قوت محتوایی سرمشایی است که برای دوام و بقای خود همچون آیین مهر، در هر دوره اجتماعی خود را با تحولات و افکار جدید سازگار می‌سازد. عیاران زورخانه نمادی از پهلوانان مقتدری هستند که جوانمردی و شرافت انسانی را قبل از روی آوردن به فعالیت‌های ورزشی در وجود خویش نهادینه کرده‌اند.

از این روی است که می‌توانیم با تأمل و بررسی تطبیقی مهرابه‌های مهری، یا محل انجام مراسم آیینی و گود زورخانه‌ها و فضای پیرامونی آن، در آداب زنگ‌زدن در مهرابه و مهر، کشتی گرفتن پهلوانان با یکدیگر مانند نبرد میترا و شر، زمان بر جای آوردن مناسک در سحرگاهان، شباهت‌هایی را بیابیم که رجعتی است بر اعتبار و احترام شیوه‌های عیاری در زمان گذشته و حال.^(۱۸)

در روایت‌های مهر با منشاء ایرانی، مهر در هیئت ماهی، از مادر مهر در نقش نیلوفر آبی، بر آب زاده می‌شود و در هنرهای سنتی^{۱۶} ظاهر می‌گردد.

در الگوهای طراحی سنتی ایرانی طرح ماهی^{۱۷}، مشخص کننده عمق چنین روایت‌هایی است. برای طراحی نقش ماهی در شکلی محصور نظیر لوزی که گاهی در طرح، حضور خود را به خفا می‌رساند، گلی شبیه نیلوفر یا شاه عباسی می‌نشانند که همان مادر مهر است و در اطراف گل مرکزی دو یا چهار ماهی نقش می‌کنند که یادآور خود مهر است. چنین نقشی در حوزه‌هایی وسیع از رشته‌های هنری بدون محدودیت بر مواد اولیه گوناگون تصویر می‌شود.

ممکن است مفهوم این نقش وقتی بر گستره کار هنری می‌نشیند برای همگان مشخص نباشد، ولی مسئله حایز اهمیت راه دوام و بقای آیین عیاری و اخلاقیات پسندیده است که به صورت نقش در هنر خود را نشان داده و باقی می‌ماند. علاوه بر

این مطلب، مبحثی محتوایی درباره فراگرد اخلاقیات است که به فلسفه تلذذ از الطاف دنیوی نظریه ارزشی اخلاق ارتباط دارد. خوشبختی، زیبایی، قدرت، سلامت، احترام، خیرخواهی، دانش و دوستی تبعات ارزش‌های ذاتی اخلاقیات هستند که ضمن رعایت اخلاق‌مندی، برای فرد به ارمغان آورده می‌شوند (۱۶).

تلاش‌های اخیر محققین بر ارتباط نزدیک بین درگیری‌های تخیلی آثار هنری و دریافت‌های اخلاقی متمرکز است. شاید تعجب برانگیز نباشد که از مولفه دیگری صحبت کنیم که رابطه میان زیبایی‌شناسی و ارزش‌های اخلاقی یا به عبارت گسترده‌تر، رابطه زیبایی‌شناسی و قضاوت‌های اخلاقی را بیان می‌کند. حتی اگر ارزش‌های اخلاقی و زیبایی‌شناسی آثار هنری، مستقل باشند، کماکان تعهدات متقابل و وابسته به هم دارند (۱۷).

شاهد مثال

ممکن است بر خواننده سطور شبهه پیش آید که رجحان عوالم معنوی بر ظاهری و رعایت اصول اخلاقی چگونه ممکن است در هنر که محل ظهور احساسات برخاسته از وجود است متجلی شود و پرده از مستوری بردارد. به نقل است که بزرگان هنر ایران آداب و احترام خاصی برای پرداختن به کار هنری خویش به کار می‌گرفتند و در عمل بدان اعتقاد راسخ داشتند. بارها از پیران مراد عرصه هنر در رشته‌های متفاوت به چشم دیده یا به گوش شنیده‌ایم که برای مانوس گردیدن با محرم راز و یار شفیق خود بدون وضو به قلمرو ابزار و ساحت معنا دست نمی‌بردند. رابطه آنان با هنر، رابطه عاشقی و معشوقی است و حدیث شیدایی گفتن. معشوق در مقام زیبایی همیشگی است و همه دارای خصال نیکو.

برای به معنی واقعیت آوردن عبارات، به نوعی از نظام نقش‌پردازی در تزیینات انواع هنرها اشاره می‌کنیم تا گفته‌ها، در طبیعت حقیقی مجال انطباق یابند.

افسانه مهر و میترا^{۱۴} که از هزاره سوم قبل از میلاد به صورت روایتی و از هزاره دوم قبل از میلاد به صورت اسنادی قابلیت ارجاع دارد، داستان شخصیتی حامی عهد و پیمان، روشنی و راستی، پیروزی و دروغ ستیزی است که بنابه گفته

خصوصیات وجودی او نهفته است. به صورتی که محیط زندگی او هم با ساختار و ماهیت وجود انسان و هم با طبیعت پیرامون هماهنگ و سازوار باشد. (۲۲)

چنین ارزش‌هایی مشترکات اخلاقی موجود در هنرهای مختلف را تشکیل می‌دهد که در اساس و ساختار بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، جنسیت و جغرافیا، پایه پیشبرد موفقیت‌های متفاوت زندگی آحاد اجتماع را در عرصه‌های مختلف، گسترش فضایل اخلاقی و روح معنوی بشر می‌داند (۲۳) تا بدینگونه انجام وظایف بر مبنای صلاحیت و ارتقاء صلاحیت بوسیله کسب مدارج بالاتر اخلاقی و حرفه‌ای منجر به صداقت و بی‌غرضی، انصاف نسبت به دیگران و دوری از ناپسندها شود که خود بارقه عشقی روحانی است.

در واقع به نظر می‌آید که شیوه اصلی کسب دانش در دنیا، از طریق مراحل به نام شهود، پیش می‌رود که در ارتباط نزدیک با احساسات و برداشت ما از زیبایی شناسی پیش می‌رود (۲۴).

با نظری جامع بر دیدگاه‌های مطروحه می‌توان گفت هنر نوعی مالکیت بر خلاقیت است. حس مالکیت بر خلاقیت برخاسته از وجود آنانی است که بعد از گذر از مراحل رشد، به کمال دست یافته‌اند که خود بر سه مرحله شکل‌گیری، رشد و اجرا مشتمل است. این کمال به معنای کمال در عشق و کمال در شخصیت است. به عبارت دیگر هنرمند در ابتدا شخصی اخلاق مند است که با چنین شاکله وجودی بر اشیاء حق مالکیت می‌یابد. این بدان معناست که هنرمند نیز فردی اخلاقی می‌باشد. بدین ترتیب به رابطه میان اخلاق و هنر از منظر رابطه میان عشق و زیبایی نگاه می‌کنیم. عشق نیرویی حسی است که موضوع آن به متن هویت می‌دهد و زیبایی انگیرشی حسی است که موضوع، از متن دریافت می‌دارد. بنابراین رابطه عشق و زیبایی مثل دو روی یک سکه به هم نزدیک است. به همین منوال در می‌یابیم که رابطه عشق، هنر و زیبایی از هم انفکاک‌ناپذیر است یا زیبایی واقعی براساس عشقی واقعی بنا شده است (۲۵).

آنکه قدمت وقوف اذهان ایرانیان را نسبت به خوی و خصال پسندیده و نیکو از زمان‌های بسیار کهن ابراز می‌دارد.

از اخلاق تا عشق

در این مجال سعی کردیم که رابطه خصال نیکو را در اصل هنرورزی با پدید آوردن اثر زیبا، مستقیم و بردوام بیان کنیم. اخلاقیات رفتار ساز است و منش هنرمند اگر با آیین جوانمردی آمیخته گردد به ناگاه فرد را منتسب به نوعی حب معرفتی و معنوی می‌کند که چون عالم و هر آنچه در آن است را زیبا می‌بیند، زیبا می‌اندیشد و دوست دارد به رسم مهرورزی عالم، ساخته خود را به زیبایی بیاراید. چنین هنرمندی در اصل عاشقی می‌شود که محبت را در وجود خود به کمال رسانده و کمال محبت عشق است. آنچه در این حالت از هنرمند در اثر هنری نمودار می‌شود، صحنه‌ای از جمال معشوق است.

از این روی هر ذره، جانی از فعل حق دارد، هر چه اقرب به معدن جمال، به عهد عشق، نزدیک‌تر (۱۹) و چون به عشقی که دارد، حقیقت مستوری اشیاء بر وی فاش می‌شود، رنگ عشق را در کار خود متجلی می‌سازد و جلوه این تاثیر حسن اثر است که دیدگان بیننده را مسحور می‌کند که حسن ابدی، حسن آدمی پدیدار سازد و به واسطه تجلی، حسن کاینات را آدمی به تصویر می‌کشد. هر چند میان حسن آدمی و کاینات تفاوت باشد. «فرق میان نیکویی آدمی و نیکویی غیر آدمی، آنست که حسن انسان، خاصیت تجلی انوار ذاتی دارد و دگر چیزها، حسن از طراوت فعل دارد.» (۱۹)

بدین‌گونه می‌توان به اثر هنری همچون سفری به بیداری یاد کرد. یعنی مفهوم پدیده‌های دنیا در حجابی پنهان است. با بیداری پرده بر می‌افتد، و رای آن چیزی نیست بجز درک زیبایی‌هایی که نتیجه تجلی مطلق است. (۲۰)

روح زیباست و از روح زیبا فعلی سر می‌زند که زیباست. یعنی انسان از فعلش زیبایی کسب می‌کند و فعل نیز از انسان زیبایی کسب می‌کند. (۲۱) رابطه فوق رابطه‌ای دوطرفه است که هر قسمت سوی بخش دیگر را به همراه دارد. مانند آنچه در رابطه دو طرفه اصول مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خود بسندگی و درون‌گرایی در تبادل محیط زندگی انسان با

8. Calligraphers	خوشنویسان
9. Chintz-making	چیت‌سازان
10. Magic	جادو
11. Myth	اسطوره
12. Metamorphosis	دگردیسی
13. Daily life	روزمرگی
14. Mithraism	آیین مهر
15. Palestra	زورخانه
16. Traditional art	هنر سنتی
17. Fish design	طرح ماهی

منابع

- 1 - Art and ethics. Available at www.ieputm.edu/art-eth/ Access 20 July 2012Av
- ۲- فره‌وشی، بهرام، فرهنگ زبان پهلوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۸۶
- ۳- بهرامی، احسان، فرهنگ واژه‌های اوستایی، به یاری فریدون جنیدی، تهران، بلخ، ۱۳۶۹، ص ۱۵۵۸
- ۴- ریخته‌گران، محمدرضا، حقیقت و نسبت آن با هنر، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰
- ۵- آهنگری، فرشته، پیشینه و بنیادهای اخلاق در ایران، اخلاق در علوم و فناوری، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره‌های ۳ و ۴، ص ۱۱-۲۴
- 6- Art, Emotion and Ethics, Available at www.oxfordscholarship.com/view/10.1093. Access 19 July 2012
- 7 -Encyclopedia Britannica, (2010), vol. 18 (p 492), vol. 4 (p 578), vol. 26 (p 526)
- ۸- شیخلی، صباح ابراهیم سعید، اصناف در عصر عباسی، هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۵۱، ۸۵
- ۹- افشاری، مهران، آیین جوانمردی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸
- 10- Art and ethic. Available at www.pjll.org/content/art-and-ethic Access 18 Aug 2012

نتیجه‌گیری

هنر در معنای کلی دو شق صورت و معنا را باهم دارد. این تعریف برای هنرهای سنتی ایران مصداق بیشتری پیدا می‌کند. در تاویل مفهوم معنا به ویژه برای هنرهای بعد از سلسله‌های قدرتمند ایران باستان، واژه معنا تجلی نور حق است در وجود هنرمندی که قابلیت و استعداد دریافت انوار جلیله را دارد. بدین سبب است که او قبل از اینکه هنرمند باشد، روحی پایبند اخلاقیات نفس خود ساخته‌ای است که برای ورود به قلمرو ابداع هنری، آداب می‌داند. از این روی امور معنوی قابلیت جایگزینی با معیارهای مادی و خاصه اقتصادی را ندارند. هنر و خلاقیت های ابداع آثار هنری در ایران، در مرتبه نخست از منویات درونی و باطنی انسانی نشأت می‌گیرند و اخلاقیات، بنیاد استوار روح‌های پالایش شده هنرمندانی است که بر این امر واقف هستند که تزکیه نفس و خو گرفتن به اخلاق و آداب جوانمردی ایرانی، شرط اول ورود به حیطه خلقت آثار هنری است. چون رفتارهای درست و ضابطه‌مند انسانی، موجد محبت، کمال و حسنی است که نتیجه آن در بوجود آوردن اثر هنری زیبایی برانگیخته از عشق است. این مسئله موجد خلق بزرگ‌ترین آثار و شاهکارهای هنری ایران، شده است.

تفاوت آشکاری که با مقایسه حتی سطحی آثار هنری گذشته و نوین به سهولت قابل دریافت است. به فراموشی سپردن اخلاق و به کار نگرفتن آداب و سیره اخلاقی و پیرایش نفس قبل از دست بردن به ساخت معنا و خلق اثر هنر ایرانی، یکی از بزرگ‌ترین آفت‌ها در محو ماندگاری هنرهای ایرانی در عصر حاضر، به‌شمار می‌آید.

واژه نامه

1. Artistic work	اثر هنری
2. Essence of art	گوهر هنر
3. Existence of the artist	وجود هنرمند
4. Artistic work	اثر زیبا
5. Chivalry	فتوت
6. Spiritual manners	روح معنویات
7. Conceptual facts	حقایق معنوی

- ۱۱- واعظ کاشفی سبزواری، حسین، فتوت نامه سلطانی، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰، ص ص ۴۱، ۲۵، ۶۷
- ۱۲- صراف، مرتضی، رسایل جوانمردان، تهران، معین، ۱۳۷۰، ص ۲۲۶
- ۱۳- زیار، قابوس بن وشمگیر، قابوس نامه، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۲۴۶
- ۱۴- یوحنا، قمیر، اخوان الصفا، محمد صادق سجادی، تهران، فلسفه، ۱۳۶۳، ص ۵۵
- ۱۵- افشاری، مهران، فتوت نامه‌ها و رسایل خاکساریه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵
- 16 - Encyclopedia Americana, 2006, vol. 10, p 610
- 17- Aesthetics and Ethics, Available at www.aesthetics-online.org/articles/ Access 19 July 2012
- ۱۸- بهار، مهرداد، ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن، چیستا، مهر ۱۳۶۰، شماره ۲، ص ص ۵۲-۱۴۰
- ۱۹- بقلی، شیخ روزبهان، عبهر العاشقین، پاریس تهران، طهوری، ۱۳۶۶، ص ۳۴ و ۳۵
- 20- Bakhtiyar, Laleh, Sufi, London, Thames and Hudson, 1976, p 32
- ۲۱- دیزجی، سجاد و همکاران، اخلاق در معماری، مجله اخلاق در علوم و فناوری، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره‌های ۳ و ۴، ص ۱۰۶
- 22- Code of ethics. Available at www.fidic.org/about/ethics.asp. Access 25 July 2012
- 23- Code of ethics. Available at www.Sections.asme.org/Colorado/ethics. Access 26 July 2012
- 24- Art and ethics. Available at www.edwardgoldsmith.org/41/ Access 25 July 2012Av
- 25- Essentials Of Unification Thought Available at www.tparents.org/Library/unification/Books/Euth/Euth07-07htm Access 20 July 2012

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تکنیک آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تکنیک آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تکنیک آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران